

عظمت حقوقی و اجتماعی زن در قرآن

فرخنده یگانه دلجو: مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا

چکیده :

زن جامعه ی اسلامی با آگاهی کامل از شخصیت والای خویش و با علم به مسائل ضروری زندگی در بعد معنوی و مادی و با شناخت دنیا و فرهنگ خود، می تواند نقش اساسی داشته باشد. قرآن کریم زن را موجودی دانسته که می تواند به کمک نیرویش، انسان توانایی باشد. قرآن کریم پیامبر را الگو و انسان کاملی معرفی می کند و در این جهت میان زن و مرد فرقی نیست. ولی خلق و خوی ویژه زنانه و احساسات لطیف و عواطف رقیق زن و مسئولیت هایی که در نظام آفرینش بر دوش او نهاده شده، ایجاب می کند که زنان نیز، الگویی کامل و اسوه ای بی دلیل از جنس خود دانسته باشد تا بتواند آنچه را از زن انتظار می رود و قرآن نیز آنها را تایید می کند به او تانی جویند. بی تردید، زهرای مرضیه نسخه وجودی پیامبر اکرم است ولی در این نسخه ی وجودی، مسائل بیشتری برای زنان تبلور یافته که در عرصه های مختلف آموزنده تر است.

هنگامی که در برخی از نمونه های قرآنی با شخصیت های تاریخی اسلام که نماد زن قهرمان بوده اند، جستجو کنیم، در مطالعه و ورق های تاریخ به زنانی برمی خوریم که از تمام نیروها و تلاش ها و برخورداریها و موقعیتهایی که بر توان انسانی زن تاکید دارد، بهره جسته اند تا نقاط ضعف را به نقاط قوت تبدیل کنند و زن را به جایگاه بلندش برسانند.

زن در فرهنگ اسلامی ما، مظهر خداست و پاکی موجب خیر و برکت شناخته شده و از ارزش و احترام فوق العاده ای برخوردار است. هویت زن هویت جامعه است. در واقع ارزش گذاشتن به زن و تمایلات و خدمات بی پایان او، ارزش نهادن به هنر جامعه است. این ارزش گذاری نسبت به زن فقط در دین مبین اسلام نیست و به طور کلی در فرهنگ وحی از زن به عظمت یاد شده است. اندیشه ناب اسلامی به انسان بودن زن و مرد در آفرینش از دیدگاهی واحد می نگرد و هر دو را به یک جا به زندگی حرکت تمدن اسلامی در عرصه ی حیات انسانها فرا می خواند و مسئولیت انحراف از مسیر یا پایداری در عقیده را یکسان به دوش هر دو می گذارد و بر اساس اصل تکامل انسانی، نقشها و مسولیت ها را بین آن دو تقسیم می کند.

با استفاده از آیات قرآن در می یابیم که استعداد زن در پذیرش ارزش های معنوی، همانند استعداد مرد است، زیرا پاداش الهی که و ثواب و آموزش بوده، برای آن دو یکسان است.

مقدمه

در طول تاریخ بخصوص در عصر علم و صنعت و ارتباطات، تجربه ثابت کرده که استعمارگران در هر جا پا نهاده اند از عضو حساس جامعه، یعنی زن سوء استفاده ی بسیار کرده اند و با الگوسازی و الگو تراشی زنان عامی جهان به عنوان هنر پیشگان ممتاز و دختران شایسته، جاده ها و میدان ها را

برای جاسازی فرهنگ استعماری خود صاف نموده‌اند، و فرهنگ مبتذل خود را جایگزین فرهنگ اصیل ملتها نموده‌اند.

در این کژ راهه، هم کرامت و شخصیت زن را پایمال کرده‌اند و هم موجب زدودن فضایل اخلاقی از جامعه شده‌اند و سپس با پتک استعمار محکمترین ضربه را به جامعه وارد ساخته‌اند. اسلام که یک آیین سازنده و هشداردهنده است به این مطلب توجه عمیق کرده و با معرفی الگوهای راستین، پیروان خود را از هرگونه همسویی با الگوهای کاذب بر خود داشته‌است. از آیات قرآنی فهمیده می‌شود زنانی باید الگوباشند که دارای اراده محکم و استقلال پرتوان و ایمان قوی باشند، مانند حضرت آسیه همسر فرعون را که تمام قالب‌های اطراف خود را از بین می‌برند و با اراده استوار، حق را می‌پذیرند و از آن دفاع می‌کنند و حضرت مریم که وجود پاکش، کانون ارزشها، کرامت‌ها و پرورنده‌ی انسان ممتازی همچون حضرت عیسی بود. اینگونه بانوان، الگوهای راستین هستند که باید زندگیشان سر مشق قرار گیرد.

زن در تاریخ

تاریخ زندگی زن‌ها در بعد مظلومیت، سه دوره مشخص را طی کرده‌است. البته ادوار فرعی نیز دارد. بدترین دوره‌اش، زمان‌هایی است که در میان ملل وحشی و غیر متمدن بود که از لحاظ زمانی یک دوره مشخص است و ممکن است تا این اواخر هم در بعضی از نقاط جهان چنین حالتی وجود داشته‌است. به این جهت یک دوره محسوب می‌شود که زن به عنوان شی یا کالا، یعنی قبل از حیوان، مطرح است. زنان کالای سرگردان و سرمایه بازرگانان در بازار داد و ستد می‌باشند. بدین جهت عده‌ای که تعصب داشتند دختران را زنده به گور می‌کردند که سبب ننگ آنها نشود. در معابر کلیساها زن‌آبستن را زنده سر می‌بریدند و خونس را قربانگاه می‌پاشیدند. برای فراوانی آب، دختران را به زیور آلات می‌آراستند و در رودخانه‌ها غرق می‌کردند. در جنگ، زن جزء غارت و غنیمت بود.

دوره‌ای که مقدار وضع خانمها بهتر می‌شود دوره‌ای است که زن در حد یک حیوان و به عنوان یک موجود زنده، البته با ارزش در بین حیوانات، مورد توجه بوده‌است. در دوره‌ی دیگری زن یک انسان و ولایت مرد است که استقلال انسانیش را به طور کلی از دست می‌دهد و به عنوان یک انسان فاقد اختیارات در جامعه، زندگی می‌کند. این سه مرحله، سه حالت و سه دوره از زندگی زن جزء بدترین دوران‌هاست.

شخصیت و مقام زن در اسلام

اسلام اولین مکتبی است که زن را به عنوان مسئله مهم زندگی و متمم حیات انسانی در مسائل اجتماعی و اخلاقی و قانونی خود جا داده‌است. درست در همان دوره‌ای که دنیا در آتش جهل و ستم می‌سوخت، پیامبر گرامی اسلام (ص) برای خاتمه بخشیدن به انحراف‌ها، کجی‌ها و کجروی‌ها، پندارهای غلط، از جانب خداوند متعال مبعوث و خط بطلان بر روی غلط‌های بشری کشید و همه راه‌های فضیلت و رستگاری را به او نشان داد. در چنین زمانی بود که لسان با داد و نیروبخش بهار، طومار جاهلیت را درید و این حقیقت را به دنیا‌ی بشری اعلام داشت که زن و مرد، از

نظردارا بودن روح کامل انسانی و روح باقی برای حشرو نشر در قیامت ، مساوی هستند و به همان نسبت که مردان جزئی از پیکر جامعه ی انسانی محسوب می شود زنان نیز چنین هستند. هیچ یک از آیات قرآن کریم که مردم را دعوت به تدبیر تعقل در نظام آفرینش می کند، مخصوص بر مردان نیست ، بلکه زنان و مردان به طور برابر مخاطب قرار داده است. بررسی آیات قرآن کریم نشان می دهد که زن و مرد از نظر آفرینش ، هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند و همه ی انسان ها از هر صف خواه زن و خواه مرد از یک ذات خلق شده اند.

« يا ايها الناس انا خلقناكم من ذَكَرٍ وَاُنثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَّ قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا اِنَّ اَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللّٰهِ اَتْقَاكُمْ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ »

ای مردم ما شما را از یک مرد یک زن آفریدیم و شما را تیره ها و قبایله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید گرمی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست ، و خداوند آگاه است. اگر آیات قرآن را مورد بررسی قرار دهیم ، به مقام منزلت زن در اسلام پی خواهیم برد. مقام زنان در اسلام چنان است که در قرآن مجید ، سومین سوره مفصل به نام آن (النساء) نامیده شده است. و همه جا در خطابات عام قرآن زنان مورد خطابند و غیر از این مورد از بسیاری از مفاهیم قرآن می توان مطالبی درباره ی حقوق و منزلت زنان استنباط نمود. پیش از اسلام هیچ قانونی از قوانین و اجتماعات متمدن و بزرگ ، درباره ارزش واقعی زن و اثر وجودی او و حفظ کرامات و حقوق او و تفصیلات فنی و روانی و مواد قانونی وجود ندارد.

اسلام زن را به عنوان عنصر موثر جامعه پذیرفته و او را در امر مهم و سرنوشت ساز بیعت شریک ساخته است. اسلام وقتی از زن بیعت گرفت ، در حقیقت به او اعلام کرد ، که تو یکی از خشت های بنای اسلامی و باید سهم خود را در استواری و نگهداری این بنیان ایفا کنی. همچنین شرکت زنان در جنگ ها در صدر اسلام ، نشان دهنده ی مشارکت مشارکت زنان آن عصر در امور سیاسی است. دو بانوی نمونه ی اسلام ، حضرت فاطمه (ع) و زینب (ع) نمونه ای از زنانی هستند که نسبت به سرنوشت سیاسی جامعه خویش حساس بوده و رسالت خود را به خوبی انجام داده اند.

بر خلاف پندار نادرست جامعه ی بشری ، اسلام احترام ویژه ای برای زنان قائل است زیرا اولین کسی که اسلام را قبول کرد یک زن بود. اولین شهید راه اسلام یک زن بود تنها فردی که در کعبه دفن شد یک زن است. و وارث پیامبر (ص) نیز دخترش حضرت فاطمه (ع) است. پیامبر (ص) می فرماید: «هر یک از زن یا مرد موجبات آزار یکدیگر را فراهم کنند ، خداوند نه نماز و نه هیچ عمل خیری را از آنان قبول نمی کند.

اسلام برای تمام تلاش های زن که در خانه ی همسر انجام می دهد، ارج می نهد تا آنجا که امام صادق علیه سلام می فرماید: «لیوان آبی که زن به همسرش دهد از یک سال عبادت شب و سحر خیزی که روزه اش را روزه بگیرد ، نزد خدا بهتر است»

تساوی حقوق زن و مرد در پیشگاه خداوند

از جمله شبهات این است که اسلام حقوق زن و مرد را به طور مساوی مطرح نکرده است. برخی چنین تصور می کنند که اسلام کفه سنگین شخصیت را برای مردان قرار داده است و زنان در

برنامه اسلام چندان جایی ندارند. سوال این است که: آیا لازمه ی تساوی حقوق، با تشابه حقوق هم هست یا خیر؟

«تساوی به معنای برابری و یکسانی است، ولی تشابه به معنای یکنواختی است» آنچه مورد تایید همه ی بزرگان دین است، این است که اسلام حقوق مشابه و یکنواختی برای زن و مرد قائل شده است، ولی زن را برتر از مرد و یا مرد را برتر از زن از لحاظ حقوق نمی داند. چرا که اسلام اصل مساوات انسان هارا درباره ی زن و مرد نیز رعایت کرده است. از دیدگاه اسلام، زنها معیار برتری و امتیاز، برای کسانی که از تقوای بیشتری برخوردار باشند و نزد خداوند جنس برتر مطرح نیست. یعنی زن و مرد هر دو به یک اندازه انسان می باشند و در انسانیت بینشان تفاوتی نیست. در این بخش با ذکر نمونه ای از آیات قرآن کریم، به عدم برتری زن و مرد از لحاظ انسانی و جنسیتی اشاره می کنیم:

«یا ایها الذین انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبایل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقاکم ان الله علیم خبیر» ۲۹ سوره ی حجرات، آیه ۱۳

ای مردم همه ی شما را ابتدا از زن و مرد آفریدیم و آن گاه شعبه های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا (قرب و بعد نژاد و نسبت یکدیگر را) بشناسید (و بدانید که اصل شعب و نژادمایه افتخار نیست بلکه) بزرگوارترین شما نزد خدا با تقوی ترین مردمند و خدا بر نیک و بد مردم) کاملاً آگاه هست.

در آیه ی فوق با اشاره به آفرینش زن و مرد، تصریح شده است که ملاک برتری، تقوا و پرهیزکاری بیشتر است.

«من عمل صالحا من ذکرا و انثی و هو من فلنحبینه حیاه طیبه ولنجزینهم اجرهم یا حسن ما کانوا یعملون. ۳۰، سوره نحل، آیه ۹۷

«هرکس از مرد و زن کار نیکی به شرط ایمان به خدا آورد ما او را در زندگانی خویش و با سعادت زنده (ابد) می گردانیم و اجری بسیار بهتر از عمل نیکی که کرده به او عطا می کنیم»
«انا اعطیناک الکوثر فصل بربک و انصر ان شالک هو الابر»

ما تو را (چشمه) کوثر دادیم. پس برای پروردگارت نماز گذار و قربانی کن.
سوره کوثر بنا بر تصریح مفسران در شان حضرت فاطمه (ع) و بیان عظمت ایشان نازل شده است. آیا با این حال میتوان گفت که زن و مرد از منزلتی متفاوت برخوردارند؟

آزادی زن در اسلام

زن در آغاز پیدایش اسلام، کرامت انسانی خویش را یافت، موقعیت اجتماعی خویش را به دست آورد و از حقوق و آزادی های حقیقی برخوردار گشت. اسلام همه ی ستم ها و برخوردهای وحشیانه ای که در دوره جاهلیت نسبت به زنان صورت میگرفت از کشتن گرفته تا پایمال نمودن ضرورتی ترین حقوق فردی، نهی نموده و زنده به گور کردن دختران را حرام گردانید.

در خصوص زنان، اسلام هیچگاه مخالف آزادی آنها نبوده است، زن مانند مرد آزاد است که سرنوشت و فعالیت های خود را انتخاب کند. اسلام، آزادی زن را زمانی مقرر دانست که وی را همان

و همان زن دانست و زن را از احساسات و حقارت تاریخی، رهایی داد. اسلام در چهارده قرن پیش زنجیره های اسارت را از دست وپای زن گسست.

اسلام، برای زن حق مالکیت قائل شده است و زن می تواند مالک اشیای منقول و غیرمنقول باشد، حق خرید و فروش و واگذاری اموال خود را دارد، می تواند به آن گونه که بتواند وصیت نماید. اسلام، همه حقوق مدنی و سیاسی را که به مردان داده، به زن نیز بخشیده است. زن، حق کار شرافتمندانه دارد، حق انتخاب دارد و می تواند نماینده مجلس و کارمند اداره و مدیر شود.

شخصیت زن در قرآن و غرب

الف) اهتمام قرآن به شخصیت زن:

نوع کمالاتی را که قرآن کریم برای زن ذکر می کند، برای آن است که هر جا قرآن یک خطری را برای یک زن محفوظ نبود، لذا بیش از حد توقع و انتظار بر مساله حرمت زن تکبیر نموده و در تمام شئون برای او سهمی قائل شده و تصریح به یگانگی او با مرد در مقام انسانیت نموده است.

ب) عظمت زن در فرهنگ وحی:

در فرهنگ وحی از زن به عظمت یاد شده و اختصاصی به قرآن ندارد بلکه در انجیل، تورات و صحف خلیل الله نیز مطرح بوده است. با فرشتگان تکلم نموده و بشارت آنها را دریافت کردند، لحن خویش را به آنها در میان گذاشتند و لحن آنان را شنیدند، اینها همه مواردی است که زن نیز همانند مرد در همه ی این صحنه ها سهیم بوده و اگر قرآن کریم از زنان یاد می کند، مادر مریم و یا خود مریم را جزو آل عمران شمرده و در زمره ی اصفیا قرار می دهد. به عبارت دیگر دعوت مردم جهان اینها هم مانند انبیا و اولیای خاص جزو اصفیا الهی اند.

ج) عظمت حقوقی و اجتماعی زن در قرآن:

مسائلی مربوط به حقوق زن است بخشی مربوط به ارث و بخشی مربوط به نکاح و بخشی مربوط به عقد زوجات و بخش دیگر مربوط به مهریه و مانند آن است. اما در بخش مسائل اجتماعی، قرآن ما را متوجه کرده و می فرماید با زن ها معاشرت نیک داشته باشید و زن را چون مرد در مجامع راه دهید. این معاشرت، اختصاص به مسائل خانوادگی ندارد. گاهی تعصب جاهلی به مرد اینچنین تلقین می کند که تو نمی توانی با زن بطور مساوی همکاری کنی یا زن در جامعه نمی تواند حضور فعال داشته باشد. قرآن کریم در این زمینه می گوید: اینگونه از تعصبات و رسومات جاهلی را که فرهنگ باطله است بزدا کنید.

چیزی را که عقل به رسمیت می شناسد و پیش وحی به صاحب شریعت به رسمیت شناخته شده، معروف است، چیزی را که عقل دین به رسمیت نمی شناسد منکر و ناشناخته است، قرآن می فرماید با صدف زن طوری رفتار کنید که عقل و شرع آن را به رسمیت می شناسد. این فرد را منزوی نکرده و با آنها بدرفتاری نکنید. حضور زن در صحنه، هر روز وهمیشگی است و همین حیات اجتماعی زن است که می تواند در مساله جهاد و دفاع سهم موثری را ایفا کند.

مقام زن در قرآن

آیات قرآن در آنجا که ماهیت زن و مرد را یک چیز می شمارد : الذی خلقهم من نفس واحدت و خلق منها زوجها

(سوره نساء، آیه ی ۱)

ای مردم پروا کنید از پروردگارتان که شما را از نفس واحد(یک چیز)آفرید و زوجش را از همان ... و در آنجا که مرد و زن را در همه صفات عالی و انسانی ،یکی دانسته: «مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان مومن و زنان مومنه و مردان عبادت کننده و زنان عبادت کننده ، مردان راستگو و زنان راستگو... خداوند بر همه ی آنان مغفرت و پاداش بزرگی آماده ساخته است. (سوره ی

احزاب، آیه ی ۳۵)

و از آنجا که اجرو ثواب و نیکی گناهان را به یک میزان ذکر کرده است..

اصولاً قرآن مجید شئونات زن را به حد مافوق تصور بالا برده و در این مورد به بیان تنها اکتفا نکرده و از هر بعد انسانی زن ، الگوها مصادیقی را یاد آور شده است و مانند یک وکیل مدافع از شخصیت زن دفاع مینماید.

قبل از آنکه از عاطفی و احساسی بودن زن سخن به میان آورد، از اندیشمندی و واقع بینی بلقیس سخن گفته است. و صلاح اندیشی و نفوذ کلام وی را می ستاید و علی رغم کسانیکه زن را انسان ضعیف پنداشته اند حریت عقیده او را نفی نموده اند ، آسیه ، زن فرعون را تمجید کرده است و نیز در مورد آنها که در مورد بی خردی جماعت نسوان ادعاها کرده اند، از ساره زن حضرت ابراهیم (ع) و اوصاف برجسته ی او سخن گفته است که شایستگی هم صحبتی با فرشتگان مقرب خدا را داشت.

خدای تعالی در قرآن به دفعات از نسوان تجلیل کرده است و نه تنها آنها را پایین وناتوان نشمارده ، بلکه در موارد بسیار آنها را قدیر داشته است. قرآن در مورد مریم مادر عیسی می گوید: کار او به آنجا کشیده شده بود که در محراب عبادت همواره ملائکه با او سخن می گفتند و گفت و شنود میکردند، از قریب بر او روزی می رسید ، کارش از لحاظ مقامات معنوی آنقدر بالا گرفته بود که پیغمبر زمانش را در حیرت فرو برده ، ذکرها در مقابل مریم مات و مبهوت مانده بود.

در تاریخ خود اسلام زنان قدیسه و عالی قدر فراوانند ، کمتر مردی است که به پایه خدیجه برسد و هیچ مردی جز پیغمبر(ص) و علی(ع) به پای حضرت زهرا نمی رسد، حضرت زهرا بر فرزندان خود که اما مند و بر پیغمبران غیر از خاتم انبیا برتری دارند. به همین زهرای مرضیه ، سومین معصوم و بهره ور از ولایت باطنی و محور نبوت و امامند و مقتدای راستین زن مسلمان می شود. شاهد دیگر از زنان بزرگ حضرت زینب(ص) بود که به عقیده بنی هاشم معروف بود، زینب، عقل کامل بنی هاشم و جاودانه ساز حماسه عاشورا بود و بسیاری از زنان برگزیده دیگر که بسیاری از افراد ذکور از نظر ارزش و اعتبار با خاک راه آنها هم برابری نمی کنند. به نص قرآن و احادیث و تاریخ ، زنان بسیار بوده اند که مقام شامخ انسانی را درک نموده و قلعه های بزرگ کمالات انسانی را در نور دیده اند.

آری اسلام در سیر (من خلق الی حق) یعنی در حرکت و مسافرت به سوی خدایهی تفاوتی میان زن و مرد قائل نیست و این چنین است که زنان مسلمان ما به دنبال تصویری شایسته از مقام انسانی زن می گردند. زن و مرد در هویت انسانی و شخصیت آدمی کمترین تفاوتی با یکدیگر ندارند. قرآن همه را مخلوق و ترکیب شده از همه شمرده و بنابراین همه مانند هم خواهند بود، مگر کسی که تقوایش بیشتر باشد و در این میان بیانی کاملتر و بلیغ تر از این نیست.

«فاستجاب لهم ربهم انی لا اذیع عملوا عامل من ذکر و انتی بعضکم من بعض» پیش خدا دعای ایشان را اجابت کرد که البته من که پروردگارم عمل هیچکس از مرد و زن را بی مزد نمی گذارم (چه آنکه همه در نظر خدا یکسانند بعضی مردم از بعضی از دیگر برتری ندارند مگر به طاعت و معرفت)

(سوره ی آل عمران، آیه ی ۱۹۵)

در این آیه تصریح شده است به این که نزد خدا عملی ضایع نخواهد شد و این جمله تعبیر سریع از نتیجه ی آیه سابق است که می فرماید: «انا خلقنا کم من ذکر و انثی» و این که مرد و زن هر دو از یک نوعند و فرقی در اصل و سن وجود ندارد. در صورتی که برتری جز به تقوا و اخلاق فاضله نبود روی این اصل زنیکه درجات ایمان را داشته یا دانش فراوانی اندوخته یا به زیور خرد او نمی رسد آراسته و خلق خوش دارد در اسلام ذاتاً بر مردانی که در این صفات به پای او نمی رسند برتری دارد. زیرا بزرگی و برتری منوط به تقوا و فضیلت است.

چند نمونه از برتری زن در اسلام

در مقایسه بین مرد و زن، زن که در شرایط اجتماعی و فرهنگ یکسان زندگی میکند ملاحظه می کنیم که فرق گذاشتن بین آن دو، کاری صعب است. زیرا معلوم نیست که آگاهی مرد در زمینه های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بیشتر از زن باشد. بلکه به نمونه های متعددی از برتری زن در مرد در زمینه وسعت فکر و دقت در عمق آگاهی و روشن بینی بر می خوریم و این را با ملاحظه بعضی از عناصر داخلی با خارجی زن که او را به شکل ویژه ای جدا میکند و نیز با ملاحظه ی تجربه های تاریخی زن که در آن زن شرایط نا بهنجار را به شرایطی به هنجار تبدیل کرده است درمیابیم. اینگونه زنان توانسته اند بر موضوع اثر گذارند و خود پا فشاری کنند، این حقیقتی است که خداوند بزرگ با یادآوری شخصیت های بزرگی مانند مریم، آسیه، زن فرعون به ما یاد می دهد و نیز تاریخ را با ارائه شخصیت خدیجه، کبری (ام المومنین) و حضرت فاطمه زهرا و حضرت زینب کبری که درود خدا بر آنان باد به ما می گوید.

موضع گیری هایی که در زندگی این زنان بزرگ به چشم می خورد بیانگر آگاهی، مسئولیت و رویارویی آنان با قدرت های طاغوتی پیرامون می باشد و راستی نمی توان هیچگونه تفاوت روشن عقلی یا ایمانی یافت که زنان را از مردانی که در شرایط مساوی می زیسته اند جدا کند. شاید برخی سخن از ویژگیهای غیر عادی در شخصیت اینگونه زنان به میان آورند اما ما هیچ ویژگی خاصی در آن نمی بینیم جز شرایط محیطی که امکانات رشد معنوی و عقلی و التزام عملی

به عوامل سازنده شخصیت طبیعی را در ایشان فراهم کرده است. علاوه بر این نمی توانیم اذعان کنیم به سخنی که می گوید در وجود این زنان عناصر غیبی ویژه ای قرار داشت که آنان را از حد دیگر زنان عادی خارج می کند زیرا بر این سخن هیچ دلیل قانع کننده ای اقامه نشده است. هنگام مطالعه ی تاریخ و از دیدگاهی مستقل به شخصیت ملکه صبا و داستان زندگی او و گفتگوش با سران قوم پس از دریافت نامه ی سلیمان بر می خوریم. او ابتدا سران قوم را گرد آورد تا درباره ی موضوعی که شایسته است در برابر تهدید سلیمان بگیرند اقدام به تصمیم گیری و چاره اندیشی کنند. همین پناه بردن به شورا، بیانگر خردمندی اوست که شخصیتش را ممتاز می سازد. همان خردی که او را می دارد پیش از مشورت با بزرگان قوم خود اقدام به تصمیم گیری نکند اگرچه قدرت آن را دارا بود.

بلقیس به این ترتیب از سران قوم درخواست کرد که با تحلیل سیاسی خود در موضع گیری آینده او همکاری داشته باشند اما سران قوم تصمیم گیری را به خود او واگذار کردند تا هرچه صلاح اندیشید انجام دهد زیرا به خردمندی و درست اندیشی او اطمینان داشتند و برای همین بود که او را صاحب اختیار و مرجع تصمیم اول و آخر خود قرار داده بودند. نظر بلقیس معقول و براساس محاسبات دقیق ارائه شده بود که بهترین راه را تدارک دید زیرا برای حل مشکل راه نظامی شیوه ی عاقلانه ای نبود.

قرآن کریم زن را در چهره ملکه ی صبا می شناساند همان انسانی که مهار عقل خود را به دست داشت و پیرو عواطف خود نشد زیرا مسئولیتش موجب رشد عقلی و تکامل فکریش بود به گونه ای که می تواند بر مردانی که در او شخصیتی نیرومند و خردمند و توانمند بر اداره امور سراغ داشتند حکم براند. تحلیل چهره این زن بر ما معلوم میدارد که امکان آن هست که زن بتواند بر عوامل ضعف زنانگی خود که گاه اثرات منفی در اندیشه او به جا می گذارد قالب آید. این گواه آن است که ضعف ها اموری مقدور و جبری نیستند که رهایی از آن امکان پذیر نباشد این حقیقت دلیل نوعی است برای اندیشه ما که زن میتواند تصمیم گیری کند یا امری را به گردن بگیرد و گرایش فکری بر اساس محاسبات دقیق داشته باشد. همان چیزی که بسیاری از مردان فاقد آنند .

فاطمه زهرا(س)

حضرت محمد (ص) به تاریخ بشریت پیوند خورده و وارث ابراهیم و نوح و موسی و عیسی است. و فاطمه تنها وارث او .

اکنون یک دختر ملاک ارزشهای پدر می شود وارث همه ی مفاخر خانواده می گردد و ادامه ی سلسله ی تیره و تباری بزرگ سلسله ای که از آدم آغاز می شود و بر همه ی راهبران آزادی و بیداری تاریخ انسان گذر می کند^۰ و به محمد می رسد و آخرین حلقه این زنجیر عدل الهی زنجیر راستین حقیقت فاطمه می شود. آری در این مکتب و در این مذهب این چنین زن را آزاد می کنند زمانی که هیچ جسدی را حق ندارند در مسجد دفن کنند و بزرگترین مسجد زمین مسجدالحرام است خدای اسلام از نوع انسان یکی را برگزیدتا در خانه خاص خویش در کعبه دفن شود. کی؟

یک زن هاجر. خدا به ابراهیم فرمان می دهد که بزرگترین پرستشگاه انسان را کنار خانه ی این زن بنا کن و بشریت همیشه برگرد خانه ی هاجر طواف کند. خدای ابراهیم سرباز گمنامش را از میان این امت بزرگ یک زن انتخاب می کند و این تجلیل از مقام زن است. و اکنون باز خدای ابراهیم فاطمه را انتخاب کرده است و با فاطمه به عنوان وارث و فاخر خاندان خویش و صاحب ارزش های نیاکان خویش و ادامه شجره تبار و اعتبار پدر جانشین پسر می شود. رفتار پیغمبر(ص) با فاطمه به همه ی انسانها همیشه می آموزد که از عادات و اوهام تاریخی و سنتی نجات یابند. به پدر می آموزد که از تخت جبروت و جباریت خشن و فرعونیش در برابر زن فرود آید و به زن اشاره می کند که از پستی و حقارت قدیم و جدیدش که تنها ملعبه ی زندگی باشد به قله ی بلند شکوه و حشمت انسانی فراز آید.

در تاریخ ملت های مسلمان و توده های محروم در امت اسلامی فاطمه منبع الهام آزادی و حق خواهی و عدالت طلبی و مبارزه با ستم و قساوت و تبعیض بوده است. فاطمه یک زن بود آنچنان که اسلام می خواهد که زن باشد. تصویر زیبای او را پیامبر خود رسم کرده بود. وی در همه ی ابعاد گوناگون زن بودن نمونه شده بود. مظهر یک زن مبارز مسئول در برابر زمانش و سرنوشت جامعه اش.

یک تیپ ایده آل برای زن، یک اسوه و یک شاهد برای هر زنی که می خواهد شدن خویش را خود انتخاب کند.

پایگاه اجتماعی و سیاسی زن در اسلام

در اسلام زنان چون مردان در مسائل اجتماعی پایگاه و جایگاه مناسب دارند و از حرکت های اجتماعی و فعالیت های گروهی ممنوع نگردیده اند بلکه طبق تعالیم مسلم قرآنی و حدیثی مسئولیت های اجتماعی بسیاری به طور یکسان مرد و زن است قرآن می فرماید (والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیا بعض یعمرن بالمعروف و ینهون ان المنکر یقیمون اصلاط و یومنون ازکات یطیعون الله ورسوله اولئک سیر حمهم الله ان الله عزیز الحکیم) (سوره ی توجه، آیه ی ۹ الی ۷۱)

(مردان مومن و زنان مومن برخی بر برخی ولایت یعنی سرپرستی دارند به معروف یکدیگر را امر می برند خدا اینان را رحمت خواهد کرد. خدا پیروزمند و حکیم است. در این فرموده خداوند زنان چون مردان دارا ی مسئولیت بزرگ ولایت اجتماعی می باشند از این رو به هدایت گری و امر به معروف و بازدارندگی از زشتی ها و ناهنجاری ها در همه ی زمینه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی می پردازند. بنابراین در همه ی عرصه هایی که مردان می توانند دخالت کنند زنان نیز می توانند دخالت کنند. مگر موارد استثنایی که تکلیف سنگین آن از دوش زن بر داشته و متقابلاً تکالیف مهم دیگری جایگزین آن شده است و مسائل سیاسی و حکومتی در راس اهرم مسائل اجتماعی قرار دارد. از این رو می نگریم که در صدر اسلام زنان در مسائل سیاسی دخالت کردند و در صحنه حضوری روشن داشتند. پیامبر(ص) طبق دستور قرآن کریم با زنان مستقلاً

بیعت می کند و بر سر معیارها پیمان می بندد و بدین گونه این بدنه از جامعه اسلامی را با مسئولیتهای سیاسی اجتماعی خویش آشنا می سازد.

زنان در نهضت بزرگ اجتماعی سیاسی هجرت نیز شرکت کردن و مهاجرت آنان چون مردان بدون هیچ تفاوتی پذیرفته و در وحی شریف به عنوان پدیده اصیل مطرح شد آن هم در دورانی که زنان از اکثریت حقوق خویش محروم بودند و حق دخالت در کوچکترین مسائل اجتماعی را نداشتند.

در نهضت های اجتماعی دیگر نیز زنان میتوانند مشارکت داشته باشند و جریان ها و حرکت های سالمی برای هدایت جامعه پدید آورند نهضت عاشورا بهترین نمونه ی مشارکت است و در دوران اخیر نیز نقش زنان در نهضت تنباکو است و در زمان حاضر نقش آفرینی های حماسی زنان در انقلاب اسلامی روشن است .

جزء یکی دو مورد در همه ی مسئولیت های اجتماعی نیز زنان می توانند شرکت کنند. تنها در موضوع امامت است که وضعیت استثنایی دارد البته صعود به مقام عصمت و ولایت که موضوع امامت است در شان زن است و به عنوان نمونه بانوی بزرگ حضرت فاطمه(ع) دارای این مقام است لیکن رسالت و امانت اجتماعی که با دشواری های طاقت فرسایی همچون جنکها و ... همراه است تکلیفی است که زن از آن معاف شده است. در قضاوت زنان نیز انتظار گوناگونی ارائه شده است و اگرچه گروهی از فقها این منصب را برای زن روا نمیدانند، برخی موضوع را اجتماعی نیز پنداشتند، لیکن پاره از فقهای گذشته و زمان حاضر قضاوت زن را مجاز می دانند. از گذشتگان جولا مقدس اردبیلی که ایشان ممنوعیت کلی قضاوت زن را درست نمی داند و اجتماع را نیز منکر است. دلیل دیگر مخالفان حدیث امام صادق (ع) است که هنگام درگیری ها ... مردی را که حلال و حرام یعنی احکام ما را می شناسد میان خود تعیین کنید که من او را برای شما حاکم قاضی قرار دادم و ... نزد برخی فقها و مسلم نیست که این ((رجل)) منظور جنس نر نیز باشد، بلکه به منظور فرد انسانی است که به این مرحله از درک و دریافت الهی رسیده باشد و رد احادیث حلال و حرام و قوانین استنباط شده از آن صاحب درایت و تشخیص باشد. بسیاری از تعبیرها یا خطاها که به جنس مذکر است خطاب عام به انسان ها متوجه است، حدیث دیگری نیز علیه قضاوت زن مورد استدلال قرار گرفته است. آن حدیثی است که شیخ حر عاملی در «رسائل» بالی را برای آن تشکیل داده است. به دنبال پیامبر(ص):

«یا علی لیس علی النرلنه جمعه ... ولا نولی القضاء»

نماز جمعه بر زنان واجب نیست و قضاوت نیز برای ایشان روا نیست. فقهای مزبور می گویند که به این حدیث در مورد نماز جمعه عمل نکردن و آن را نپذیرفتند و نماز جمعه را بر زن و مرد لازم دانسته اند. حال چگونه می شود که فرازی از حدیث پذیرفته نشود، فراز دیگر آن مقبول باشد به هر حال استدلال به این حدیث را نیز چندان واضح ندانستند .

در حوضه ی پایگاه اجتماعی زن به دو بخش از فعالیتهای اجتماعی اشاره می شود.

الف) فعالیتهای فرهنگی و علمی: روشنترین موضوعات در اسلام جانبداری اصولی از رشد علم و گسترش آموزش و دانایی در سطح جامعه است و بدون فرق و تمایزی میان افراد طبقات آیات قرآنی در بین زمین بسیار گویاست. پیامبر(ص): «طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة (۱۳) (طلب علم بر هر زن و مرد مسلمان واجب است)

از این رو پس از ظهور اسلام و داشتن مواضع علم آموزی از سر راه همه بویژه این قشر، زنان در میدان های علم و آموزش گام نهادند و چندی نگذشت که زنان آگاه و دین شناس پدید آمد و به مقامات بالایی در آگاهی و دانش رسیدند.

ب) فعالیتهای اقتصادی: زنان در میدان های کار و تلاش و مسائل اقتصادی نیز حق شرکت دارند و در همه ی این زمینه ها حقوقی همسان با مردان دارند. با توجه به این که پس از قرن ها در اروپا این حق به زنان داده شد، آنها به خاطر اهداف ننگین و سودجویانه سرمایه داری انقلاب صنعتی باعث شد که زن هم صنعتی شود... زنان کارگران ارزانتری بودند و کارفرمایان آنان را بر مردان سرکش ترجیح دادند.

زن محور خانواده:

اهمیت خانواده بر کسی پوشیده نیست، محوریت و بخش حیاتی و زیربنایی آن در تربیت نسل، سامان بخشی به فکر و اعصاب مرد و تشکیل هسته ی اصلی جامعه ی روشن است. از هم پاشیدگی خانواده امروزه در واقع بخشی از بحران عمومی، نظام صنعتی که در آن همه از هم گسیختگی همه ی نهادهای عصر موج دوم هستیم.

در کتاب تمدن جدید ۲۰ نیز آمده است: از سوی دیگر تافلر معتقد است که یکی از مهمترین پدیده های موج سوم بازگشت دوران اقتدار و احترام اهمیت خانواده است. زیرا در موج دوم (تمدن صنعتی) نهاد قدرتمند خانواده رو به زوال گذاشت و تمام آنچه طی دوران موج اول از ویژگیهای خانواده محسوب می شد از دستش رفت. به این ترتیب که بیماران به جای پرستاری در خانه روانه بیمارستان ها کردند. کودکان به مدرسه و مهد کودک رفتند، سالخوردگان را به خانه ی سالمندان فرستادند و زوجها وقت خود را بیشتر در مهمانی و رستوران و تفریگاه های گوناگون گذراندند و لذا آنچه از خانواده باقی ماند فقط پیوند های عاطفی بود که البته می توانست به آسانی قابل گسستن باشد.

اما موج سوم مجدداً خانواده را احیا میکند و اختیارات و قدرتهای گذشته را به خانواده باز می گرداند. به این ترتیب که بسیاری با استفاده از کامپیوتر و فاکس و سایر وسایل ارتباطی موج سومی، کارهای خود را بیشتر در منزل انجام خواهند داد. زن در خانواده دو نقش اصلی را دارد.

۱- زن در خانه سازنده مجدد شخصیت، توانایی و کارایی مفید مرد است. به گفته ی ویل دورانت: «زن از آنجایی که مرد خیالی سرگردان را به مرد فداکار نسبت به خانه و کودکان خود تبدیل می سازد، عامل حفظ و بقای نوع است...»

بنابراین کارایی مردان و ایفای نقش درست در جامعه و دیگر انتظارها از مردان هست، در پرتو خانواده و در کنار همسران به فعالیت می رسد و شکوفا می گردد.

۲-دیگر نقش حیاتی زن رسالت مادری است. این نقش نیز از مهم ترین نقش های اصولی و زیر بنایی و انسان ساز است. رسالت مادری دورانی طولانی دارد و زن از آغاز تشکیل نطفه در رحم تا واپسین لحظات مادران، تاثیرهای اصولی به راه و کارهای فرزندان دارند. از این رو می بینیم در آیین اسلام توصیه بسیاری به مادران شده است. دستورها و راهکارهای فیزیکی از شیر دادن و تغذیه مناسب و ... و راهکارهای روحی و تربیتی و آرامشی را که برای فرزندان باید فراهم آورند. زیباترین هنرنمایی زن رسالت مادری است. هنر و نقشی که جز زن کسی نمی تواند این نقش را با این زیبایی بازی کند.

منابع و مأخذ:

- ۱- تحقیقی، عطیه عظمت حقوقی و اجتماعی زن در قرآن- پایان نامه ۱۳۸۴
 - ۲- شریعتی- علی- فاطمه، فاطمه است- انتشارات شبریز- چاپ دوم شهریور ۱۳۸۵
 - ۳- صیافی، محمد حسین- شخصیت و حقوق زن در اسلام- سایت حقوق ایران - پنجشنبه ۵ مرداد ۱۳۸۵
 - ۴- علانی رحمانی، فاطمه- زن از دیدگاه نهج البلاغه - انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی - چاپ دوم - پاییز ۱۳۷۱
 - ۵- فکور، فاطمه- زن در اسلام، زن و کنکاش نوین- ترجمه مجید مرادی مجله پیام زن- نشر دفتر تبلیغات اسلامی قم - شماره ۳۳ آذرماه ۱۳۷۳
 - ۶- فضل الله، محمد حسین- زن بازیافت شخصیت و شعار آزادی- ترجمه مجید مرادی مجله پیام زن- نشر دفتر تبلیغات اسلام قم شماره ۳۴ - در ماه ۱۳۷۳
 - ۸- هورنای، کارن- گریز از زن بودن- ترجمه سیاوش ترتیبی- مجله جامعه سالارگان بنیاد مستضعفان و جانبازان- شماره ۱۸ - دی ماه ۱۳۷۳
- BUSHEHR PRISONSOIR - ۹
- حیا و عفت ، اساس حفظ عزت و شخصیت - به مناسبت روز زن ۸۵/۴/۲۴